

## بررسی رابطه بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان در شهر مهاباد

حسام نصیری<sup>۱</sup>  
نعمت‌الله تقوی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۹۴/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۴

### چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی رابطه بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان در شهر مهاباد می‌باشد و روش تحقیق، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، کلیه زنان متأهل با دامنه سنی ۶۰-۲۰ سال شاغل شهر مهاباد در سال ۹۴-۹۳ به تعداد ۲۹۹۵ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۵۰ نفر برآورد گردیده و نمونه‌ها به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای و همچنین تصادفی سیستماتیک انتخاب گردیدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته که ضریب پایایی آن به کمک آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد، صورت گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی و آزمون خی‌دو و با کمک جدول فراوانی و درصد استفاده شده است. فرضیه اصلی تحقیق با آزمون خی‌دو و مقدار خطای ۵ درصد و سطح معنی‌داری ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین نتایج یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که روابط خانوادگی زنان شاغل از کیفیت بهتری برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** اشتغال، زنان، روابط خانوادگی و مهاباد.

---

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده فنی و حرفه‌ای سما، واحد مهاباد، مهاباد،

ایران (نویسنده مسئول: sama\_mahabad@yahoo.com)

۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز nemataghavi@gmail.com

### مقدمه و بیان مسأله

خانواده عرصه به هم پیوستن و تعامل زن و شوهر و فرزندان است. این به هم پیوستگی قطعاً متضمن عواملی است و با تصادف و اتفاق حاصل نمی‌شود. وجود جذبه‌های مختلف فردی، روانی، فیزیولوژیکی و اجتماعی این امر را امکان‌پذیر می‌کند. از این منظر، خانواده‌هایی که اعضای آن به یکدیگر جذب نشده‌اند، خانواده‌هایی هستند که از نظر سطح انسجام در پایین‌ترین حد خود قرار دارند. برعکس، خانواده‌هایی که زن و شوهر و فرزندان جذب همدیگر می‌شوند و سخت‌تر کار می‌کنند، امکان بیشتری دارند تا به هدف خود برسند؛ زیرا توافق بین زن و شوهر موجب می‌شود تا نوعی ارتباط عاطفی میان آن‌ها برقرار شود. نتیجه نهایی انسجام خانواده، یکپارچگی زن و شوهر است. در این صورت توافق، سازگاری و هماهنگی بیشتری بین آن‌ها اتفاق می‌افتد و کارایی آن‌ها افزایش می‌یابد و فرایند زمانی رسیدن به مقصد کاهش پیدا می‌کند و اعضای خانواده با آرامش و امنیت روانی بهتری فعالیت می‌کنند زیرا امید دست‌یابی به موفقیت در بین آن‌ها افزایش می‌یابد و فعالیت زن و مرد در خانواده مفید و سازنده تلقی و ارزیابی می‌شود (باقری، ۱۳۸۶: ۲۲۹).

قداست خانه و خانواده، امری است که همه ما باید به آن احترام بگذاریم، در جایی که روابط والدین صمیمی و در یک تعامل دوستانه صورت می‌گیرد، مطمئناً فرزندان سالم و در نهایت جامعه‌ای سالم خواهیم داشت. ژان بودن در تعریف خانواده می‌نویسد: خانواده، جامعه‌ای کوچکی است مرکب از پدر، مادر، اطفال و مستخدمین به انضمام اموال مشترک‌شان. به نظر او خانواده یک جامعه طبیعی و ریشه سایر جامعه‌ها و اولین واحد تشکیل دهنده کشور و دولت است (آراسته‌خو، ۱۳۸۹: ۳۲۷). بنابراین اگر اعضای خانواده دارای روابطی عاطفی و همبستگی بین آن‌ها صمیمانه باشد، یقیناً بالندگی و رشد خود، جامعه و کشور را به دنبال خواهند داشت. اگر هنگامی که روح خانواده، دچار آفت بی‌احساسی و سردی روابط والدین گردد، طولی نمی‌کشد که صفا و صمیمیت در زندگی مشترک زن و مرد از بین می‌رود (ساعی-ارسی، ۱۳۸۲: ۲۴۹).

نوع تعاملات زوجین در زندگی رابطه مستقیم با احساس بدبختی یا خوش‌بختی آن‌ها دارد. به طور معمول، زوجینی که روابط عاطفی عمیق، منطقی، دوستانه و صمیمی را تجربه می‌کنند، افرادی موفق، با اعتماد به نفس بالا، مثبت‌اندیش، شاد و با احساس خوش‌بختی هستند. برعکس، زوجینی که روابط عاطفی نامناسب با هم دارند، افرادی منزوی، بدخلق، با سطح سازگاری بسیار پایین در جامعه، ناموفق، همواره مأیوس و همیشه با احساس منفی بدبختی هستند (گیل‌پاتریک، ۲۰۰۸).

فعالیت زن در بیرون از خانه گرچه به بالا رفتن درآمدهای خانواده و برخورداری از تسهیلات رفاهی بیشتر می‌انجامد، اما نه تنها ممکن است سازگاری و آرامش بیشتری را به ارمغان نیاورد، بلکه ممکن است به خسارت‌های جبران‌ناپذیری نیز منجر شود، چرا که نوع برداشت غلط از اشتغال ممکن است باعث

فروپاشی زندگی مشترک شده و بسیاری از خانواده‌ها را با چالش جدی مواجه سازد (احمدنیا، ۱۳۸۳: ۳۳۹-۳۴۰). بنابراین اساس تشکیل خانواده بر پایه تشریک مساعی، توافق و صمیمیت میان اعضای شکل می‌گیرد که از منابع مشترک به شکل مسالمت‌آمیزی استفاده کنند (روزن‌باوم، ۱۳۸۷: ۹۵).

مسئله اشتغال زنان از جمله مسائلی است که به دلیل تغییراتی که در ساختار زندگی سنتی و همچنین تأثیراتی که بر مفهوم مادری و همسری به وجود می‌آورد، موجی از مسائل گوناگون و نظرات مختلف را به همراه خود دارد. از این رو شناخت مشکلاتی که حیات خانواده را تهدید می‌کند و تلاش در جهت برطرف کردن آن‌ها امری مهم و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (سفیری، ۱۳۸۳). بنابراین روابط خانوادگی بین زن و شوهر از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد که یکی از جنبه‌های مهم آن، کار کردن زن در بیرون از خانه است و اهمیت این موضوع مربوط به همه جوامع است زیرا هر تأثیری که اشتغال زنان بر نهاد خانواده می‌گذارد، مسلماً دارای بازتاب و انعکاس در جامعه می‌باشد. لذا تحقیق حاضر بر روی کلیه زنان متأهل با دامنه سنی ۶۰-۲۰ سال شاغل در شهر مهاباد صورت گرفته تا دریابیم شاغل بودن زنان چه اثرات مثبت یا منفی و یا هر دو بر روی کیفیت روابط خانوادگی زن و شوهر در خانه و خانواده داشته و دارد.

### مبانی نظری

کارکردگرایان معتقدند که در خانواده، مردان و زنان هر کدام نقش و کارکرد ویژه‌ای را ایفا می‌کنند. از این رو کارکرد زنان را در جامعه بر امور خانوادگی محدود می‌کنند و بر این باورند که واگذاری هر نوع نقش به زنان در امور اقتصادی و اجتماعی سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود و مشارکت زنان را در خارج از خانه به معنی دزدی از فرصت‌های خانوادگی و صرف آن در امور اجتماعی می‌داند. پارسونز به عنوان یکی از نظریه‌پردازان کارکردگرایی بر این باور است که زنان نقش عاطفی در خانواده ایفا می‌کنند. پارسونز هرگونه تغییر در نقش زنان را برای جامعه نامطلوب و مخاطره‌آمیز می‌داند (وود، ۱۳۸۹: ۱۵۴-۱۳۱).

تالکوت پارسونز نماینده مکتب کارکردگرایی در نظریات خود در جامعه مدرن از «من» و «تو» به عنوان دو مفهوم کلیدی در خانواده و جامعه صحبت می‌کند. به عقیده او سیستم تقسیم کار متناسب با اندازه و تعداد اعضای خانواده تنظیم می‌شود. از این رو با کوچک شدن اندازه خانواده و پیدایش خانواده هسته‌ای در جامعه جدید، علاوه بر تقسیم کار، تعریف پایگاه اجتماعی و نحوه ایفای نقش هر یک از اعضا متناسب با نیاز ساختار مشخص می‌شود (پارسونز، ۱۹۹۸: ۳۲). پارسونز معتقد است مهم‌ترین عامل در حفظ بقا و تعادل یک سیستم اجتماعی، تقسیم متعادل و توافق‌آمیز منابع است. نحوه قرار گرفتن هر یک از مهره‌های اصلی درون چارچوب خانواده و چگونگی شکل‌گیری نظام شخصیتی آنان در روشن نمودن جایگاه نقشی (پایگاه) فرد در نظام کنش و تنظیم روابط فرد با دیگر اعضای خانواده تأثیر دارد

(زلدیچ، ۱۹۹۸: ۱۳۹). هرگاه شیوه توزیع منابع در داخل خانواده با توافق اعضا انجام نشود، مشروعیت سیستم زیر سؤال می‌رود و هر یک از افراد به منظور اشغال پایگاه بهتر بر میزان فاصله خود با دیگری می‌افزایند. تعادل، توزیع عادلانه، مدیریت توافق‌آمیز و کسب رضایت اعضای درون خانواده از نظر پارسونز، ضرورت کارکردی دارد زیرا هر گونه ابهام در موقعیت فرد، زمینه بی‌ثباتی را در سیستم ایجاد می‌کند (پارسونز، ۱۹۹۸: ۸۶).

پارسونز معتقد است که پدر با داشتن شغل و درآمد، مسؤول کسب درآمد برای تأمین خانواده است. برحسب اهمیت زندگی شغلی او در خانواده است که در نظام جامعه شوهر (پدر) را رهبر اصلی خانواده و زن را موجودی انفعالی و پرورش دهنده می‌دانند. بنابراین خانواده با تبعیت از این الگو می‌تواند کارکرد بهتری داشته باشد (رابرتسون، ۱۳۹۲: ۲۸۱). اما اگر زن متأهل، شغل نان‌آوری را بر عهده بگیرد، به رقابت با شوهرش می‌پردازد و این مسأله وحدت و هماهنگی بین زن و شوهر را در خانواده به هم می‌زند (ساروخانی، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

پارسونز در نظریه «تفکیک نقش‌ها» با این تصور که اشتغال زنان، نظام خانواده را در معرض خطر قرار می‌دهد، اشتغال زنان را نکوهش می‌کند. در نظام خانواده، مرد، رئیس و نان آور خانواده است و زن نقش کدبانو را اجرا می‌کند. به باور وی، تغییر در فرصت‌های شغلی و ایجاد برابری با مرد، موجب از هم پاشیده شدن ساخت خانواده می‌گردد و کارکردهای جامعه کنونی را بر هم می‌زند (اعزازی، ۱۳۸۶). مطابق نظریه کارکردگرایی مرتن، گرایش زنان به سوی اشتغال در خارج از خانه بیشتر از همه بر روی خانواده و کارکردهای آن اثر گذاشته و روابط میان اعضای خانواده بخصوص زن و شوهر را دگرگون می‌کند. با تغییر مجموعه روابط اعضا، آن استحکام و روابط عاطفی که در خانواده حکم فرماست، کم‌رنگ‌تر می‌شود. در این میان زنانی که مسؤولیت اداره خانه و خانواده را بر عهده دارند، بار مضاعفی را بر دوش می‌کشند (ریترز، ۱۳۹۱: ۱۴۲).

به نظر دورکیم اشتغال زن در بیرون از خانه باعث تقویت حس اعتماد به نفس و استقلال و افزایش امیدواری و قدرت تصمیم‌گیری و برخورد مناسب آنان با حوادث زندگی می‌شود و اثر مطلوب بر روابط خانوادگی بر جای می‌گذارد. همچنین موجب می‌گردد او خود را عضو مفید و سازنده‌ای از جامعه بداند و ضمن همکاری و مشارکت با همسرش در انجام کارهای منزل، همبستگی خود را با سایر اعضای خانواده محکم‌تر سازد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۴). به طور مثال در کتاب جامعه‌شناسی زنان نوشته «پاملا آبوت» آمده است که یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی، مسأله اقتصادی و درآمد است، چنان‌چه این درآمد از طرف هر دو زوج باشد، باعث سهولت زندگی می‌شود (آبوت، ۱۳۹۱).

در نظریه تقسیم کار دورکیم، سازگاری زن و شوهر مستلزم همکاری و احساس مسؤولیت آنان در قبال یکدیگر است. در صورتی که در محیط خانواده هماهنگی صورت گیرد و هر یک از زوجین در امور

بررسی رابطه بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان در شهر مهاباد

منزل با یکدیگر مشارکت و همکاری کنند، تفاهم و سازگاری بین آن‌ها بیشتر می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۹: ۱۶۰).

نظریه تفکیک نقش‌های پارسونز و تقسیم کار برحسب جنسیت دورکیم، برای زن نقش عاطفی و برای مرد نقش ابزاری قایل است. بر این اساس، تداخل در نقش‌ها باعث اغتشاش امور خانوادگی می‌شود (روی، ۱۹۹۸). در مقابل نظریه تفکیک نقش‌ها، الگوی دیگری به نام مناسبات مربوط به نقش‌های مشترک وجود دارد که به وجود دو الگوی تقسیم نقش در خانواده می‌پردازد. الگوی اول، مناسبات تفکیک نقش‌های زناشویی است. این الگو روابطی را توضیح می‌دهد که در آن زن و شوهر قایل به تفاوت واضحی در وظایف خود می‌باشند و نقش‌های خانوادگی را به دقت تفکیک کرده و منافع، علایق و فعالیت‌های جداگانه‌ای دارند. از الگوی دوم با عنوان مناسبات مربوط به نقش‌های مشترک یاد می‌شود که نقطه مقابل نظریه تفکیک نقش‌ها است. در این نوع از مناسبات، زن و شوهر در اکثر فعالیت‌ها همکاری و همفکری داشته و تضاد منافع و علایق‌شان در حداقل است (ایمرمن و همکار، ۱۹۹۹).

از نظر دورکیم رضایت از زندگی تابع نوع، شدت و چگونگی رابطه اجتماعی است که از یک سو، به تأمین نیازهای شناختی و مالی فرد بر رضایت از زندگی او اثر می‌گذارد و از سوی دیگر، از طریق مهارت‌های افراد، از آرزوهای بی‌پایان و ارضا نشدنی جلوگیری می‌کند (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۴). نارضایتی در روابط زناشویی زمانی به وجود می‌آید که زوجین در زمینه همکاری و تصمیم‌های مشترک، درجات متفاوتی از استقلال و همبستگی داشته باشند (کاپلیان و همکار، ۲۰۰۹).

نظریه مبادله هومنز بیان می‌دارد افرادی که در سطوح بالاتری از رضایت‌مندی زناشویی برخوردارند، بیشتر زوج‌هایی هستند که در تقسیم کارهای خانه، سهم و نقش مشترکی دارند. به علاوه این دیدگاه فرایندها و روش‌هایی که در آن تقسیم کار به تبیین روابط بین اشتغال زنان در خارج از خانه و استحکام زندگی زناشویی کمک می‌کند را مورد توجه قرار می‌دهد (ریترز، ۱۳۹۱: ۴۳۱).

نظریه ساخت‌گرایی رادکلیف‌براون به گسترش شبکه‌های ارتباطی بین زن و شوهر در داخل و خارج از محیط خانواده تأکید می‌کند. یعنی زنان با حضور در اجتماع و در عرصه اشتغال، در واقع منزلت اجتماعی، شادابی و نشاط روحی، آگاهی اجتماعی و فرهنگی را مبادله می‌کند و شبکه‌ای از روابط را در جامعه می‌گسترانند که پاداش فرد در این زمینه، رسیدن به منزلت اجتماعی بیشتر در جامعه و تحکیم پایه‌های زندگی زناشویی است (توسلی، ۱۳۸۹: ۳۸۷).

ژان داریک کار کردن زن در بیرون از خانه را جانشین جهاز وی می‌داند و او عنوان می‌کند که اشتغال بر روی روابط زن و شوهر تأثیر دارد. بلاد در زمینه مسائل ناشی از اشتغال زن در خانه می‌گوید: زنان ناشی از اشتغال زنان به کارهای خارج از خانه اثرات ناگواری را بر روحیه مردان می‌گذارد (ساروخانی، ۱۳۹۰: ۱۶۹-۱۷۱).

شرمن‌وود معتقد است که مهم‌ترین معرف پایگاه زن در هر مکانی میزان مشارکت او در زندگی اقتصادی و کنترل او به دارایی و محصولات است که تولید می‌کند (وود، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

#### **اهداف تحقیق**

اهداف این پژوهش را تحت عناوین هدف کلی و اهداف اختصاصی می‌توان بیان کرد.

#### **هدف کلی**

هدف کلی این پژوهش «تعیین رابطه بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان در شهر مهاباد» می‌باشد.

#### **اهداف اختصاصی**

- ۱- تعیین رابطه بین اشتغال زنان و میزان درآمد خانواده
- ۲- تعیین رابطه بین اشتغال زنان و تقسیم کار بین زوجین
- ۳- تعیین رابطه بین اشتغال زنان و میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی
- ۴- تعیین رابطه بین اشتغال زنان و همدلی و همفکری بین زوجین
- ۵- تعیین رابطه بین اشتغال زنان و میزان صمیمیت زوجین

#### **فرضیه‌های تحقیق**

فرضیه‌های این پژوهش را تحت عناوین فرضیه کلی و فرضیه‌های اختصاصی می‌توان بیان کرد.

#### **فرضیه کلی**

بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان رابطه وجود دارد.

#### **فرضیه‌های اختصاصی**

- ۱- بین اشتغال زنان و میزان درآمد خانواده رابطه وجود دارد.
- ۲- بین اشتغال زنان و تقسیم کار بین زوجین رابطه وجود دارد.
- ۳- بین اشتغال زنان و میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین اشتغال زنان و همدلی و همفکری بین زوجین رابطه وجود دارد.
- ۵- بین اشتغال زنان و میزان صمیمیت زوجین نسبت به یکدیگر رابطه وجود دارد.

بررسی رابطه بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان در شهر مهاباد

## ابزار و روش

این مطالعه از نوع تحقیقات پیمایشی است و جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، کلیه زنان متأهل با دامنه سنی ۶۰-۲۰ سال شاغل شهر مهاباد در سال ۹۴-۹۳ به تعداد ۲۹۹۵ نفر می‌باشند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۵۰ نفر برآورد گردیده و نمونه‌ها به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای و همچنین تصادفی سیستماتیک انتخاب گردیدند.

ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر، پرسشنامه محقق‌ساخته سنجش کیفیت روابط خانوادگی زنان شاغل که با استفاده از منابع معتبر علمی تهیه گردید و جهت سنجش مفاهیم آن از طیف لیکرت استفاده شد.

روایی پرسشنامه با استفاده از روش‌های منطقی اعتبار محتوا (اعتبار صوری) مورد تأیید قرار گرفت. جهت تعیین پایایی ابزار نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که پس از توزیع پرسشنامه در بین ۳۰ نفر از زنان شاغل و جمع‌آوری پاسخ‌ها، ضریب ۸۹ درصد به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی و آزمون خی‌دو و با کمک جدول فراوانی و درصد و با استفاده از نرم‌افزار spss انجام شد.

## یافته‌ها

### یافته‌های توصیفی

سن: براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، بیشترین درصد پاسخ‌گویان (۵۷/۱ درصد) در گروه سنی بین ۳۰-۲۰ سال و کمترین درصد پاسخ‌گویان (۱۱/۵) در گروه سنی بین ۶۰-۵۰ سال قرار دارند. وضعیت اشتغال: براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، از مجموع ۳۵۰ نفر آزمودنی در تحقیق حاضر، ۷۲/۹ درصد از پاسخ‌گویان به صورت تمام وقت و ۲۷/۱ درصد از پاسخ‌گویان به صورت نیمه وقت اشتغال به کار دارند.

سطح تحصیلات: براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، از مجموع ۳۵۰ نفر آزمودنی در تحقیق حاضر، ۵۷/۷ درصد دارندگان مدرک لیسانس را بیشترین تعداد و ۴/۴ درصد دارندگان مدرک دیپلم را کم‌ترین تعداد پاسخ‌گویان تشکیل داده‌اند.

### یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: بین اشتغال زنان و میزان درآمد خانواده رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره ۱ ملاحظه می‌گردد که بیشترین تعداد (۶۰/۲ درصد) پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که درآمدشان در حد زیاد و کم‌ترین تعداد (۸/۴ درصد) پاسخ‌گویان بیان نموده‌اند که درآمدشان در حد کم در افزایش کیفیت روابط خانوادگی‌شان تأثیر داشته است. خی‌دوی جدول توزیع با ۵

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره چهل ونهم، تابستان ۱۳۹۵

درصد خطا و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۵/۹۹ می‌باشد و خی‌دوی محاسبه شده ۱۴/۶ می‌باشد. چون خی-دوی محاسبه شده بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین اشتغال زنان و افزایش درآمد خانواده رابطه معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد.

**جدول شماره (۱): نتیجه آزمون خی‌دو برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و میزان درآمد خانواده**

روابط خانوادگی		فراوانی مشاهده شده O		فراوانی مورد انتظار E	
درآمد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زیاد	۱۸۵	۶۰/۲	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳
متوسط	۱۱۰	۳۱/۴	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳
کم	۵۵	۸/۴	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳
جمع	۳۵۰	۱۰۰	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳

### فرضیه دوم

بین اشتغال زنان و تقسیم کار بین زوجین رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره ۲ ملاحظه می‌گردد که بیشترین تعداد (۵۷/۲ درصد) پاسخ‌گویان بیان داشته‌اند همسرشان در کارهای خانه با آن‌ها در حد زیاد و کم‌ترین تعداد (۱۱/۴ درصد) پاسخ‌گویان بیان داشته‌اند که همسرشان در کارهای خانه با آن‌ها در حد کم همکاری دارند. خی‌دوی جدول توزیع با ۵ درصد خطا و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۵/۹۹ می‌باشد و خی‌دوی محاسبه شده ۲۲/۰۶ می‌باشد. چون خی‌دوی محاسبه شده بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع می‌باشد، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین اشتغال زنان و تقسیم کار بین زوجین در انجام امور منزل رابطه معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد.

**جدول شماره (۲): نتیجه آزمون خی‌دو برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و تقسیم کار بین زوجین**

روابط خانوادگی		فراوانی مشاهده شده O		فراوانی مورد انتظار E	
تقسیم کار	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زیاد	۲۰۰	۵۷/۲	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳
متوسط	۱۱۰	۳۱/۴	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳
کم	۴۰	۱۱/۴	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳
جمع	۳۵۰	۱۰۰	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳

### فرضیه سوم

بین اشتغال زنان و میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره ۳ ملاحظه می‌گردد که بیشترین تعداد (۵۰ درصد) پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که از اشتغال به کار در خارج از خانه در حد زیاد ابراز رضایت دارند و کم‌ترین تعداد (۱۱/۴ درصد)



بررسی رابطه بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان در شهر مهاباد

پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که از اشتغال به کار در خارج از خانه در حد کم ابراز رضایت دارند. خی‌دوی جدول توزیع با ۵ درصد خطا و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۵/۹۹ می‌باشد و خی‌دوی محاسبه شده ۱۶/۴۸ می‌باشد. چون خی‌دوی محاسبه شده بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین اشتغال زنان و میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی رابطه معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد.

**جدول شماره (۳): نتیجه آزمون خی‌دو برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی**

روابط خانوادگی		فراوانی مشاهده شده O		فراوانی مورد انتظار E	
رضایت از زندگی	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زیاد	۱۷۵	۵۰	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳
متوسط	۱۳۵	۳۸/۶	۱۱/۴		
کم	۴۰	۱۱/۴			
جمع	۳۵۰	۱۰۰			

#### فرضیه چهارم

بین اشتغال زنان و همدلی و همفکری زوجین رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره ۴ ملاحظه می‌گردد که بیشترین تعداد (۴۰ درصد) پاسخ‌گویان بیان داشته‌اند که شاغل بودنشان تأثیر زیاد و کم‌ترین تعداد (۲۵/۷ درصد) پاسخ‌گویان بیان داشته‌اند که شاغل بودنشان تأثیر کمی در همدلی و همفکری بین آنان داشته است. خی‌دوی جدول توزیع با ۵ درصد خطا و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۵/۹۹ می‌باشد و خی‌دوی محاسبه شده ۲۲/۱۷ می‌باشد. چون خی‌دوی محاسبه شده بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین اشتغال زنان و همدلی و همفکری زوجین رابطه معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد.

**جدول شماره (۴): نتیجه آزمون خی‌دو برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و همدلی و همفکری زوجین**

روابط خانوادگی		فراوانی مشاهده شده O		فراوانی مورد انتظار E	
همدلی و همفکری	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زیاد	۱۲۰	۴۰	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳
متوسط	۱۴۰	۳۴/۳	۲۵/۷		
کم	۹۰	۲۵/۷			
جمع	۳۵۰	۱۰۰			

#### فرضیه پنجم

بین اشتغال زنان و میزان محبت و صمیمیت زوجین نسبت به یکدیگر رابطه وجود دارد.

براساس اطلاعات جدول شماره ۵ ملاحظه می‌گردد که بیشترین تعداد (۶۰ درصد) پاسخ‌گویان بیان داشته‌اند اشتغال در خارج از خانه بر میزان صمیمیت آنان تأثیر زیاد و کمترین تعداد (۱۱/۴ درصد) اظهار نموده‌اند که اشتغال در خارج از خانه بر میزان صمیمیت آنان تأثیر کم داشته است. خی‌دوی جدول توزیع با ۵ درصد خطا و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۵/۹۹ می‌باشد و خی‌دوی محاسبه شده ۲۵/۴۸ می‌باشد. چون خی‌دوی محاسبه شده بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع می‌باشد. بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید می‌گردد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین اشتغال زنان و میزان محبت و صمیمیت زوجین نسبت به یکدیگر رابطه معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه این فرضیه تأیید می‌گردد.

**جدول شماره (۵): نتیجه آزمون خی‌دو برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و میزان صمیمیت زوجین**

روابط خانوادگی		فراوانی مشاهده شده O		فراوانی مورد انتظار E	
میزان صمیمیت زوجین	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زیاد	۲۱۰	۶۰	۲۳/۳	۶۰	۲۳/۳
متوسط	۱۰۰	۲۸/۶	۲۳/۳	۲۸/۶	۲۳/۳
کم	۴۰	۱۱/۴	۲۳/۳	۱۱/۴	۲۳/۳
جمع	۳۵۰	۱۰۰	۲۳/۳	۱۰۰	۲۳/۳

### بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین اشتغال زنان و میزان درآمد خانواده رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که خی‌دوی محاسبه شده (۱۴/۶) بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع (۵/۹۹) می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زنان باعث افزایش درآمد خانواده و در نتیجه افزایش کیفیت روابط خانوادگی زوجین می‌گردد. یافته‌های این فرضیه با نظریه دورکیم و شرم‌وود همخوانی دارد. براساس نظریه دورکیم، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی، مسأله‌ی اقتصادی و درآمد است، چنان‌چه این درآمد از طرف هر دو زوج باشد، باعث سهولت زندگی می‌شود. همچنین شرم‌وود معتقد است که مهم‌ترین معرف پایگاه زن در هر مکانی، میزان مشارکت او در زندگی اقتصادی و کنترل او به دارایی و محصولاتی است که تولید می‌کند.

یافته‌های این فرضیه با نظریه پارسونز و مرتون همخوانی ندارد. زیرا پارسونز معتقد است که اگر زن متأهل، شغل نان‌آوری خانواده را بر عهده بگیرد، درصدد رقابت با شوهرش بر می‌آید و این امر موجب برهم زدن وحدت و هماهنگی بین زن و شوهر در خانواده می‌گردد. همچنین مرتون معتقد است که اشتغال به کار زن در بیرون از خانه روابط عاطفی بین زن و شوهر را تغییر می‌دهد. فرضیه دوم: بین اشتغال زنان و تقسیم کار بین زوجین رابطه وجود دارد.

بررسی رابطه بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان در شهر مهاباد

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که خی‌دوی محاسبه شده (۲۲/۶) بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع (۵/۹۹) می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زنان باعث تقسیم کار بین زوجین و در نتیجه افزایش کیفیت روابط خانوادگی زوجین می‌گردد.

یافته‌های این فرضیه با نظریه مبادله هومنز و نظریه تقسیم کار دورکیم همخوانی دارد. براساس نظریه مبادله هومنز، زوج‌هایی که در تقسیم کارهای خانه، سهم و نقش مشترکی دارند، از روابط خانوادگی محکم‌تری برخوردارند. همچنین براساس نظریه تقسیم کار دورکیم، هماهنگی و همکاری هر یک از زوجین در امورات منزل با یکدیگر، تفاهم و سازگاری بین زن و شوهر را به دنبال دارد.

یافته‌های این فرضیه با نظریه کارکردگرایی چون پارسونز و مرتون همخوانی ندارد. زیرا کارکردگرایان معتقدند که مردان و زنان هر کدام نقش و کارکرد ویژه‌ای را در خانواده ایفا می‌کنند و معتقدند که واگذاری هر نقش به زنان در امور اقتصادی و اجتماعی کارکردهای کنونی جامعه را تخریب می‌کند و مشارکت زنان را در امور سیاسی و یا هر نوع وابستگی به خارج از خانه به معنی دزدی از فرصت‌های خانوادگی و صرف آن در امور اجتماعی می‌دانند.

فرضیه سوم: بین اشتغال زنان و میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که خی‌دوی محاسبه شده (۱۶/۴۸) بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع (۵/۹۹) می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زنان باعث افزایش میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی و در نتیجه افزایش کیفیت روابط خانوادگی زوجین می‌گردد.

یافته‌های این فرضیه با نظریه دورکیم همخوانی دارد. رضایت زوجین از زندگی زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم‌بودن احساس رضایت دارند. از نظر دورکیم تأمین نیازهای شناختی و مالی فرد بر رضایت او از زندگی اثر می‌گذارد.

فرضیه چهارم: بین اشتغال زنان و همدلی و همفکری بین زوجین رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که خی‌دوی محاسبه شده (۲۲/۷) بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع (۵/۹۹) می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زنان در همدلی و همفکری بین زوجین تأثیر مثبت داشته است و در نتیجه باعث افزایش کیفیت روابط خانوادگی زوجین می‌گردد.

یافته‌های این فرضیه با نظریه دورکیم همخوانی دارد. به نظر دورکیم در صورتی که هر یک از زوجین در محیط خانواده با یکدیگر مشارکت و همکاری کنند، تفاهم و همدلی بین آن‌ها بیشتر می‌شود.

یافته‌های این فرضیه با نظریه پارسونز همخوانی ندارد. پارسونز معتقد است اشتغال زن در بیرون از خانه همدلی و همفکری بین زن و شوهر را به هم می‌زند.

فرضیه پنجم: بین اشتغال زنان و میزان صمیمیت زوجین نسبت به یکدیگر رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که خی‌دوی محاسبه شده (۲۵/۴۸) بزرگتر از خی‌دوی جدول توزیع (۵/۹۹) می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زنان باعث افزایش میزان محبت و صمیمیت زوجین نسبت به یکدیگر و در نتیجه افزایش کیفیت روابط خانوادگی زوجین می‌گردد.

یافته‌های این فرضیه با نظریه کارکردگرایی مرتون همخوانی دارد. مسلماً زوجین برای رضایت‌مندی از زندگی زناشویی باید با یکدیگر با محبت و صمیمیت رفتار کنند. مطابق نظریه کارکردگرایی مرتون، اشتغال زن در خارج از خانه روابط عاطفی و محبت‌آمیز بین زن و شوهر را تغییر می‌دهد. با تغییر این روابط، آن محبت و صمیمیت حاکم بر فضای خانه و خانواده را کم‌رنگ‌تر می‌کند.

براساس تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه، می‌توان نتایج کلی از آن به قرار زیر استخراج کرد: زنان متأهل که هم در داخل و هم در خارج از خانه کار می‌کنند، اظهار نموده‌اند که همسرشان کارهای منزل با آن‌ها در حد زیاد همکاری و نسبت به یکدیگر احساس مسؤوآیت می‌کنند. بنابراین می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که زنان شاغل مورد حمایت همسران خود هستند. اشتغال زنان با به هم زدن نقش‌های سنتی زوجین در خانواده موجب مشارکت بیشتر مردان در انجام امور خانه می‌شود، این امر خود به احساس عدالت نسبی در روابط خانوادگی منجر شده که احساس رضایت از نتایج مهم آن است. بیشتر زنان اظهار نموده‌اند که اشتغال‌شان باعث افزایش محبت و صمیمیت بین خود و همسران‌شان شده است. محبت و صمیمیت بین زوجین از مفاهیمی است که در روابط و تعاملات زناشویی مطرح است.

بیشتر زنان اظهار نموده‌اند که همسرشان از شاغل بودن‌شان رضایت دارند. رضایت زناشویی از عوامل بسیار مهم در زندگی است که در صورت وجود آن، آرامش روحی و روانی را برای زوجین در زندگی زناشویی به ارمغان می‌آورد. حمایت همسر از شاغل بودن زن تأثیر زیادی بر احساس رضایت زن دارد؛ بالاخص مادرانی که از حمایت همسران خود برخوردارند، احساس مثبتی درباره همسر و زندگی خود دارند.

به طور کلی پذیرش اشتغال برای زنان، به معنای زیر بار مسؤوآیتی مضاعف رفتن و قبول نقش‌های متعدد و احياناً متعارض در زندگی است؛ زیرا زنان بنابر تعهد عاطفی و اخلاقی خودشان، هیچ‌گاه از زیر بار مسؤوآیت‌های همسری و مادری شانه خالی نمی‌کنند. زنان شاغل با قبول دو مسؤوآیت خانه‌داری و کار در خارج منزل می‌کوشند با استفاده از توانایی و امکانات موجود، وظیفه خود را به خوبی انجام دهند.

برخلاف دیدگاه کارکردگرایان که معتقدند اشتغال زن از یک طرف اعتبار شوهر (پدر) و دارنده انحصار قدرت اقتصادی را ناپدید می‌سازد و از طرف دیگر موجب تنازع خانوادگی و در نتیجه بی‌سازمانی خانواده می‌شود، اشتغال زن در بسیاری از موارد موجب هماهنگی در تصمیم‌گیری و اداره امور زندگی بین زن و شوهر در خانواده می‌شود. غالباً در خانواده‌هایی که زن شاغل است، مردان در کار منزل مشارکت

بررسی رابطه بین اشتغال زنان و کیفیت روابط خانوادگی آنان در شهر مهاباد

بیشتری دارند و زن و شوهر در بسیاری از مسایل به درک و تفاهم می‌رسند و آثار مثبت این رفتار بر دیگر اعضای خانواده نیز تسری می‌یابد.

### پیشنهادات

بحث اشتغال زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همان‌طور که عوامل و انگیزه‌های اشتغال گوناگون می‌باشد، تأثیرگذاری این پدیده نیز بر فرد، جامعه، خانواده و فرزندان متفاوت است. از آنجایی که زنان نقش بسیار مهم و اساسی در هر جامعه دارند و نقش بسیار حساس او به عنوان همسر و مادر در خانواده بسیار مهم و حیاتی است و با توجه به روحیه حساس و شکنندگی زنان باید توجه بیشتری به اشتغال زنان شود و باید دولت راه‌کارهایی را پیش روی آنان قرار دهد تا زمانی که بیرون از منزل کار می‌کنند فشار روانی و استرس کم‌تری داشته باشند و این راه‌کارها را در تمام نقاط کشور و بین همه زنان شاغل همگانی کنند و تنها شامل عده قلیلی نگردد.

### منابع و مآخذ

- ۱- آبوت، پ و والاس، ک. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- ۲- آراسته‌خو، م. (۱۳۸۹). نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی. تهران: نشر گستر.
- ۳- اعزازی، ش. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۴- احمدنیا، ش. (۱۳۸۳). «تأثیر اشتغال بر سلامت زنان»، فصلنامه‌رفاه اجتماعی. شماره ۱۸.
- ۵- توسلی، غ. (۱۳۸۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- ۶- رابرتسون، ی. (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه: حسین بهروان. تهران: انتشارات استان قدس وضوی، چاپ سوم.
- ۷- روزن‌باوم، ه. (۱۳۸۷). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه. ترجمه: محمد صادق مهدوی، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۸- ریتزر، ج. (۱۳۹۱). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، تابستان ۱۳۹۵

- ۹- ساعی ارسی، ا. (۱۳۸۲). سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی. چاپ اول.
- ۱۰- ساروخانی، ب. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش.
- ۱۱- سفیری، خ. (۱۳۸۳). مسأله اجتماعی به نام اشتغال زنان. مسائل اجتماعی ایران (انجمن جامعه‌شناسی ایران)، چاپ اول، چاپ نقش جهان.
- ۱۲- شفیعی‌آبادی، ع. (۱۳۸۴). اشتغال زن، محاسن و محدودیت‌ها. چکیده مقالات پنجمین سمینار انجمن مشاوره ایران.
- ۱۳- وو، ش. (۱۳۸۹). دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی. ترجمه: مصطفی ازکیا. تهران: انتشارات کیهان.

- 14- Ammerman RT, Hersen M. Assessment of family violence: A clinical and legal sourcebook. New York: John Willey and sons; 1999 : 125-46.
- 15- Callian, T. & Siewgeok, L. (2009). Astudy of marital conflict on measures on social support and mental healt.sunway university collage.
- 16- Gillpatrick, S. (2008). 7 Ways couples add conflict to conflict.
- 17- Parsons, Talcott (1998) Family Socialization and Interaction Process, Printed and Bounded in Grate Britain.
- 18- Roy M. [Battered women: A psychosociological study of domestic violence]. 1st ed. Gharachdaghy M. (translator). Tehran: Elmee; 1998 : 21-3
- 19- Zelditch, JR. Morals. (1998). Role Differentiation in the Nuclear Family: A Comparative Study, Rutledge.